

آیة الله

العظمی

منتظری

«الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»



قسمت دوم

مقام علمی و عملی:

خلاصه، ابعاد مختلفی که باید در یک راهبر و راهنما باشد، در وجود مبارک این مرد الهی است و از این روی، چشم تمام مسلمانان و مستضعفان به او دوخته است و دل امیدشان به او بسته.

امروز اسلام، انقلاب اسلامی، امام امت، روحانیت و تمام ملت به او نظر دارند و مردم ما در همان حال که برای طول عمر امام روحی فداه دعا می کنند، برای سلامتی و طول عمر امید ایشان نیز به درگاه حضرت ذوالجلال دست راز و نیاز را بلند کرده و از مقام قدسی می خواهند که: خدایا تا انقلاب حضرت مهدی «عج» آن استاد و این شاگرد، آن رهبر و این امید رهبر را حفظ بفرما.

امام و آیت الله العظمی منتظری

آیت الله العظمی منتظری، در فراز و نشیب های زمان معاصر، هیچگاه از رهبر و استاد خود جدا نبود، بلکه همواره پشت سر آن بزرگوار حرکت می کرد و حرکت ایشان را رونق می بخشید. او نه تنها در مسائل سیاسی با امام همگام است که در مسائل معنوی و عملی نیز آینه تمام نمای ایشان به حساب می آید.

امام نیز محبت و علاقه ای افزون به این شخصیت شایسته و فقیه ارجمند دارد، تا جایی که می فرماید: «من شما را فقیهی عالیقدر و مجاهدی بزرگوار می دانم» و در دیداری با اعضای مجتمع آموزشی لنگرود، در تاریخ ۵۸/۶/۲۷ می فرماید: «آقای منتظری یک فرد بسیار ارزنده ای است. ملای

شخصیت آیت الله العظمی منتظری از هر نظر استثنائی و فوق العاده است. ایشان در همان حال که از نظر علمی، در قله ای بلند از علمیت و قدرت استنباط می باشد، از نظر عمل نیز کمتر کسی به پایه او می رسد. و از نظر شایستگی معنوی و اخلاقی، مردی عارف، متقی، متواضع، پارسا یار مستضعفان و دشمن سرسخت مستکبران است؛ و تنها چیزی که در دنیا او را شاد می کند، خدمت به مردم و هدایت و راهنمایی آنان است. این بزرگمرد با یک دید به تمام مسلمانان می نگرد و به وطنی جز اسلام و شناسنامه ای جز مسلمانی نمی آید. هیچگاه مرزهای مصنوعی یا رنگ پوست و یا لهجه های گوناگون، او را از آن یکسان نگرایی باز نمی دارد.^۱

ایشان نه تنها در پی خوشبختی، سعادت و نیکبختی مسلمانان است که آرزو دارند، تمام مستضعفین جهان، از قید اسارت مستکبران و زورگویان رها شده، به خدا و اسلام پیوندند، و در راه همین آرزو، همواره در تلاش و کوشش است.^۲

او که در تمام عمر کوشیده و می کوشد که دست ستمگران را قطع و آنان را به روز سیاه نشاند، و همیشه برای رسیدن به این آرمان، با سخنان کوبنده و قاطع خود - چه در برابر شاه ستمگر سابق و چه در برابر شاهان جهانخوار در سراسر جهان - پرچم مبارزه علیه آنان را بلند کرده است، در برابر ناله یک ستمدیده زجر کشیده، آنچنان متأثر و ناراحت می شود که گویی شکنجه فرزند دلبدش را شاهد است.

متعهدی است، ایشان هم حبس‌ها دیده‌اند، زجرها کشیده‌اند و در این امور پخته شده است».

امام در دیدارهای زیادی، توصیه می‌فرمودند که مسائل را با آقای منتظری در میان بگذارید و توسط ایشان حل کنید و عملاً بسیاری از کارهای اجتماعی را به ایشان ارجاع می‌دادند. و به این هم اکتفا نکرده بلکه بعضی از احتیاطات را به ایشان ارجاع دادند که این بالاترین ارجحی است که برای ایشان قائلند.

آیت الله آذری قمی - همانگونه که در مجله ۳۵ آمده است - در این باره چنین می‌گوید:

«در دوسه مورد شنیده‌ام که امام مدظله‌العالی بالخصوص مسائلی را به آقای منتظری ارجاع کرده‌اند. در یکی دو سال قبل از شورای سرپرستی صدا و سیما شنیدم که از امام درخواست کرده بودند که حد و حدود موسیقی و غنا را برای ما مشخص بفرمائید که مورد عمل قرار گیرد. ایشان ارجاع فرموده بود به آقای منتظری.

یکی هم ظاهراً در مورد تعزیرات بود که آیا تعزیرات، شامل تعزیرات مالی هم می‌شود و جریمه‌های مالی از مسائل تعزیرات است یا نه؟ این هم آن طور که نظرم هست، از برخی از اعضای شورای عالی قضائی در یکی دو مورد شنیدم که یک مورد را بقیع دارم که امام فرموده بودند: «من خودم حتی نظرم مخالف با این مطلب است ولی به آقای منتظری مراجعه کنید، اگر ایشان نظر داد، درست است و شما به آن عمل کنید. این ملاک و نشانه‌ای است که بین سلف از علما و مراجع معمول بوده و خود ملاکی است که امام، ایشان را به عنوان فالاعلم می‌شناسد.»

ستایش بزرگان:

آیت الله العظمی منتظری - بی‌گمان - بی‌نیاز از ستایش و توصیف است، چرا که او چون خورشیدی است عالم افروز و همگان از نور و فروغ ایشان بهره می‌برند و استضاء می‌کنند و همانا خورشید برای کسی پوشیده و پنهان نیست. وانگهی در این نوشتار کوتاه، جای نقل آنهمه ستایش‌ها از معظم له نمی‌باشد و لذا به چند نمونه بسنده می‌کنیم:

آیت الله العظمی منتظری در زمان مرجع بزرگ عالم تشیع، حضرت آیت الله العظمی بروجردی، از صاحب نظران و محققین بنام به شمار می‌آمد و یکی از متحنین درجه اول حوزه علمیه قم

بود. او از استعداد و هوش سرشاری برخوردار بود که می‌توان گفت: متعکس کننده افکار فقهی و اصولی آیت الله بروجردی در زمان ایشان بود و لذا همواره آن بزرگوار به شاگردان خود سفارش می‌فرمود که از معلومات فقهی آقای منتظری استفاده کنند و او را از دست ندهند.

سومین شهید محراب، آیت الله صدوقی «ره» گوید:

«آیت الله منتظری به تمام معنی شایسته است من بالغ بر چهل سال است که با این شخص محترم آشنایم، چه فقهانش، چه علوم دیگرش، چه زهد و تقوی و ایمان راسخش. من یک هوادار صددرصد او هستم و شما مردم اگر دیدید کسی در گوشه و کنار درباره این شخصیت محترم توهین می‌کند، زبان به انتقاد می‌گشاید، توهنی محکم به او بزنید... آیت الله منتظری کسی است که ۳۴ سال قبل، تقریرات درس مرحوم آیت الله بروجردی را در زمان حیات ایشان نوشته است».

چهارمین شهید محراب، آیت الله اشرفی اصفهانی درباره ایشان سخنان جالبی گفته است که دو مورد آن را یادآور می‌شویم:

۱- «بنده چند سالی که در قم بودم، بیشتر ارتباطم با آیت الله منتظری بود. آیت الله منتظری واقعاً مجسمه تقوی و مردی است که هم مقام علمیش و هم تقوی و تواضعش انصافاً امتیاز دارد».

۲ - «آیت الله منتظری است که می‌توان گفت به اینکه در آینده کسی که ما می‌توانیم اشاره به او بکنیم و بگوئیم: مرد فقیه و پاسدار دین و دأوی آن سیاست واقعی که سیاست اسلام می‌باشد، در این موجودین فعلاً آیت الله منتظری است و لو شش از بعضی مراجع دیگر کمتر است ولیکن امتیازات ایشان زیاد است».

آیت الله راستی می‌گوید:

«روابط شما با هر شخصیتی از شخصیتها غیر از امام، شما را بی‌نیاز نمی‌کند از ارتباط با آیت الله آقای منتظری. حتماً باید روابطتان با حضرت آقای منتظری خیلی نزدیک باشد و از مطالب و رهنمودهای ایشان استفاده کنید... چون ایشان در انقلاب، بعد از امام، نقش مهمی دارند و هیچ کس به موقعیت ایشان نمی‌رسد و هیچ کس هم ادامه‌دهنده انقلاب و آشنا با خط امام در ارتباط با مسائل انقلاب مثل ایشان نیست و در همه ابعاد، خط انقلاب را هیچ کس بهتر از جناب آقای منتظری نشناخته و به حساب اینکه روحانیت، ملت را رهبری می‌کند،

هیچکدام از آقایان علما با در نظر گرفتن مقام و منزلتشان، موقعیت و نقش آقای منتظری را در انقلاب ندارند و نمی‌توانند داشته باشند...^۱

آیت الله صائمی می‌گوید:

«معیاری که در اعلمیت به آن مؤمن و معتقد هستم، یکی مسئله سرعت انتقال است و دیگری دقت نظر و ریشه‌یابی در مسائل... با این خصوصیات که لازمه کسی است که می‌خواهیم در احتیاط‌ها به او مراجعه کنیم، بنده با آن شناختی که از فقها و علمای بزرگ دارم، این خصوصیات را به علاوه خصوصیت اهتمام نداشتن به امر دنیا، در حضرت آیت الله العظمی آقای منتظری می‌یابم... و می‌توانیم بگوئیم: می‌شود احتیاطات را به او مراجعه کرد و می‌شود محل تأمل‌ها را به او مراجعه نمود»^۵

آیت الله شیخ ابوالحسن شیرازی گوید:

«... امروز بحمد الله شخصیتی فقیه و دانشمند (آقای منتظری) داریم که همانند رهبر رهنمود می‌دهد و مایه پشرفت و تداوم انقلاب اسلامی است و از نظر رتبه هم بعد از امام امت در انقلاب اسلامی و در جمهوری اسلامی، شخصیتی است که از هر حیث ممتاز و مورد همه گونه توجه باید قرار بگیرد و ما آن طوری که از سوابق ایشان اطلاع داریم و فعلاً که می‌بینیم، پس از مقام رهبری برای جامعه اسلامی ما بسیار مفید می‌باشند و در آینده بزرگترین استفاده‌ها از ایشان خواهد شد. و از نظر جهات معنوی و تقوی و بینش اسلامی و بصیرتهائی که باید یک نفر فقیه داشته باشد و جنبه‌هائی که در قانون اساسی هم ذکر شده است، در ایشان بطور کامل موجود است... آیت الله العظمی منتظری جامع همه خصوصیات است که باید یک فقیه کامل داشته باشد. امام عزیزمان هم نسبت به ایشان واقعاً از همه کسانی که هستند، بیشتر اهمیت می‌دهد و نظر به ایشان دارد... و شواهد و قرائن موجود هم این را ثابت می‌کند»^۶

آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی گوید:

«وقتی که ایشان (آیت الله العظمی منتظری) در نجف آباد بودند، همیشه در بین اساتید مهم، معروف بودند به خوش استعدادی و خوش فهمی و از نظر عمق تحصیلاتشان از اقران و هم دوره‌ای‌ها جلوتر بودند. بعد هم که قم بودند تا سال فوت مرحوم آیت الله بروجردی پیش همه طبقات معروف بودند به

سرآمد بودن... ما با همان ملاک که تشخیص دادیم آیت الله العظمی خمینی اعلم اهل زمان هستند و با در نظر گرفتن اینکه سیاست از دین جدا نیست، بهمان ملاک می‌توانیم بگوئیم: آیت الله منتظری در عالم تشیع بلکه در عالم اسلام، از نظر روحانیت، شخص دوم هستند... و از نظر زهد و تقوی، بنده چون از نزدیک مشاهده کرده‌ام در رفتار ایشان، آن هم مسلم است که از نظر تقوی و فضیلت، ایشان در درجهٔ اعلی هستند...»^۷

تألیفات ایشان:

کتابهای معظم له، اگر از نظر کمیت زیاد نباشد، از نظر کیفیت و محتوی، در درجهٔ والائی قرار دارد، و آنان که با فقه آل محمد آشنائی دارند، می‌توانند به عمق بحثهای فقهی و اصولی ایشان برسند.

در هر صورت برخی از کتابهای ایشان که چاپ شده است از این قرار است:

- ۱- البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر (تقریرات درسهای مرحوم آیت الله العظمی بروجردی).
- ۲- نهاية الاصول.
- ۳- کتاب الزکاة، در دو جلد که جلد اول آن به چاپ رسیده است.
- ۴- کتاب الخمس.
- ۶- رساله توضیح المسائل (رساله عملیه).
و اما کتابهایی که چاپ نشده است:
- ۱- قسمتهائی از کتاب صلاة، تقریرات مرحوم آیت الله بروجردی.
- ۲- وصیت.
- ۳- غصب.
- ۴- اجاره.
- ۵- قسمتی از جلد دوم نهاية الاصول در قطع و وزن و قسمتی از برائت.
- ۶- درسهای از نهج البلاغه.^۸



در خاتمه بحث از زندگی سراسر افتخار و نور بخش آیت الله العظمی منتظری، مقاله پاسداران بزرگ اسلام را به پایان می‌بریم و از خدای بزرگ می‌خواهیم سایه پربرکت امام امت و امید امام را بر سر ما و ملت‌های مسلمان همواره

صراط جبلی، و شیوع فساد و اتراف و تجاوز و ستم در سطح زندگی اجتماعیشان، تعادل بین اجزاء و اعضاء جهان هستی دستخوش فساد می گردد و این امر موجب زوال نعمت و اختلال معیشت، و ظهور فساد در خشکی و دریا می شود که خود بازتاب عمل مردم و فرآورده های دستپاشان می باشد که بدینوسیله خداوند متعال، نکال، برخی از اعمال پلیدشان را با آنان می چشاند که شاید بمقتضای فطرت اصلی برگشت نموده و بخداوند تبارک و تعالی رجوع کنند.

چنانکه ملاحظه می کنید، این چنین معنائی مخفی نیست که فقط در نوع، لازم جریان است نه شخص و فرد و از این رو، تلازم بین صلاح نوع اعتقاداً و عملاً و بین نعمتهای الهی، ثابت است و اما در اشخاص، معنای مزبور لازم جریان نیست زیرا بطلان غایت در برخی از افراد نوع جائز است ولی بطلان غایت در نوع، غیر ممکن است، زیرا مستلزم قسر محال و حرمان نوع از غایت خویش و موجب بازیچه و لعب در خلقت است که از ساحت قدس کبریائی حکیم تعالی بدور است چنانکه می فرماید:

«وما خلقنا السموات والارض وما بینهما لاعین» سوره دخان آیه ۳۸. یعنی: «آسمانها و زمین، و آنچه که بین آنها است بسازیگری نیافریدیم» پایان ترجمه و توضیح استاد قدس سره. و چه عالی از این آیه اقتباس نموده! ولله دره که گفته است:

خرامیدن لاجوردی سپهر
همان گرد گردیدن ماه و مهر
مطلبه از کز بهر بازیگری است
سربرده ای این چنین سرسری است

تلازم بین عمل صالح و مواهب معنوی

و اما استفاده تلازم بین عمل صالح فرد و بین مواهب معنوی از کتاب الهی که استاد بزرگوار علامه طباطبائی قدس سره بدان اشارت فرمودند، اجمال آن بدینقرار است:

کتاب الهی بازتاب عمل صالح را «عامل آن چه مرد باشد و چه زن» در نفس عاملش، حیات طیبه، اعلام داشته است. حیات طیبه، یعنی حیاتی که از همه پلیدیها پاک می باشد، و هیچگونه پلیدی در افساد حیات مزبور یا افساد آثار آن راه ندارد و گرنه حیات طیبه و خالصه نخواهد بود، و با تمکن چنان حیاتی در روح و جان انسانی طبعاً همه آراء و اعمال وی دگرگونی می یابد: دگرگونی بصورتی که مناسب این حیات پاک، و متشاکل با آن، می باشند.



مستدام بدارد و ما را در شناخت و تجلیل و پیروی از این دو نعمت بزرگ الهی توفیق دهد.

و از ملت ارجمند ایران نیز می خواهیم، سخنان و رهنمودهای این دو بزرگمرد تاریخ معاصر، پیوسته به گوش دل بسپارند و نگذارند که توطئه های دشمنان در به فراموشی سپردن آن رهنمودهای امیدبخش و راهساز، عملی شود.

ضمناً برای دیگر بار تذکر می دهیم که در این مجموعه کوتاه، تنها نام برخی از پاسداران بزرگ اسلام برده شد و برای دیگر بزرگان دین چه در ادوار گذشته و چه در دوره های معاصر، بالاترین ارج و احترام را قائلیم و چون بنا بر اختصار بود لذا بناچار از زندگی آن سروران و شخصیتهای ارزنده کمتر نامی برده شد ولی امیدواریم در آینده، کم و بیش این دین بزرگ را ادا نمائیم. والسلام علی عبادالله المخلصین.

تذکر

با عرض پوزش در مجله ۳۵، صفحه ۵۰ ستون دوم، سطر چهارم، «سال ۴۳» نوشته شده است که به «سال ۴۶» تصحیح می شود.

- ۱- در رابطه با این یکسان نگری، در یکی از پیامهای ایشان در اوائل انقلاب چنین آمده است: «... برادران و خواهران مسلمان توجه داشته باشند، این عمل (ملی گرایی) که در گذشته از ارکان سیاست استعماری پهلوی بوده، نه با منویات رهبری جنیش و نه با سیاست خردمندانه دولت، منطبق نمی باشد، زیرا در اسلام، مسئله نژاد و زبان و جغرافیا به هیچ وجه مطرح نیست...».
- ۲- در اولین خطبه پنجمین نماز جمعه تهران به امامت ایشان (۵۸/۷/۲۰) چنین فرمود: «ما باید به راه خود ادامه دهیم. هدف ما چیست؟ هدف ما پیاده شدن اسلام است، پیاده شدن برنامه های قرآن، نجات مستضعفین در مقابل ظالمان و مستکبرین است... ما می خواهیم اسلام را نشر دهیم و همانا ما اراده کرده ایم، شما (جهانیان) را از استعمار و استبداد و امپریالیسم و صهیونیسم نجات دهیم».
- ۳- سخنرانی نیمه شعبان ۱۴۰۲.
- ۴- رهنمود به یاران، در تاریخ ۶۰/۹/۲۲.
- ۵- پاسدار اسلام، شماره ۱۶.
- ۶- پاسدار اسلام، شماره ۳۰.
- ۷- مصاحبه اختصاصی منتشر نشده.
- ۸- لازم به تذکر است که تاکنون چندین بار، درسهائی از نوح البلاغه، توسط نهادها و انتشارات گوناگون چاپ شده ولی تا هنوز به صورت کامل و زیر نظر معظم له به چاپ نرسیده است.